

فرا تحلیل مطالعات سرقت در ایران

ابوعلی ودادهیر،* حمید نادری**

چکیده

سرقت در زمره جرایم یا عمل بزهکارانه مهمی است که امنیت عمومی و اجتماعی جامعه را پیوسته تهدید می‌کند و عدم مدیریت یا گسترش آن باعث اختلال در نظم و امنیت جامعه می‌شود از همین رو، سرقت از مصادیق بارز ناامنی اجتماعی به حساب می‌آید. هدف این مطالعه، برآورد گستره یا شیوع سرقت در ایران به شیوه فرا تحلیل است. جامعه آماری شامل کلیه مطالعات انجام‌گرفته طی دو دهه گذشته (۱۳۷۵-۱۳۹۵) در بانک‌های اطلاعاتی مگ‌ایران، نورمگز، پایگاه الکترونیک اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، سامانه نشر مجلات علمی دانشگاه تهران، سامانه یکپارچه نشریات ناجا، سامانه اطلاعات پژوهشی ناجا، پیمایش ملی جرم سرقت، منابع و مجاری اینترنتی اسکولارگوگل و مرکز ایراندک است که با کلیدواژه‌های عموماً سرقت و خاصه دزدی، کیف‌قاپی، کش‌روی، و باج‌گیری در ایران بازیابی شده است. برای فرا تحلیل، ۶۶۸ پژوهش مرتبط با حوزه سرقت در دو دهه اخیر شناسایی شد. پس از بررسی پژوهش‌های مرتبط با موضوع، ۶۹ مورد از منابع جهت تحلیل انتخاب شدند و در نهایت، پس از جست‌وجو، غربالگری و ارزیابی کیفی و کمی مطالعات موجود، ترکیب و تحلیل نهایی بر روی نوزده مطالعه منتخب انجام گرفت. تمامی مطالعات منتخب با استفاده از نرم‌افزارهای MEDCLAC15 و CMA3 تحلیل شدند. مجموع حجم نمونه مورد بررسی، ۱۱۸۱۴ نفر در سطح کشور با ۱۹ مورد واحد تحلیلی بودند که شیوع سرقت را برای کشور ۰/۳ درصد برای دو دهه نشان داد. همچنین، بین مطالعات مورد ارزیابی، ناهمگونی (I^2) زیادی وجود داشت (۹۲/۵۱ درصد). نتایج شیوع واقعی سرقت طی دو دهه گذشته، عددی را بین حداقل ۱ درصد و حداکثر ۴ درصد نشان می‌دهد و نتایج تحلیلی نمایان‌گر این است سرقت در کشور برای طی دو دهه اخیر تا سال ۱۳۹۳ روند افزایشی داشته و سپس روند کاهشی پیدا کرده است؛ این بدان معنا است که برنامه مداخله‌ای برای بعد از سال ۱۳۹۳، روند نزولی شیوع سرقت را به همراه داشته است.

کلیدواژه‌ها: جرم، سرقت، شیوع، فرا تحلیل.

vedadha@ut.ac.ir

* دانشیار دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

hnaderi58@gmail.com

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۷

مسائل اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۲۶۳-۲۸۵

۱. مقدمه

تشدید وقوع جرم به عنوان یکی از دغدغه‌های جامعه، و در زمره آسیب‌های اجتماعی است که اقدامات و برنامه‌های پیشگیرانه در این خصوص، در اولویت برنامه‌های کشورهای مختلف قرار دارد (راپ، ۲۰۰۸: ۱). پیشگیری از وقوع جرم با اتکای به نیروهای محلی و مشارکت مردمی (کنترل غیررسمی) نقش مهمی در ممانعت از ارتکاب به جرم بزهکاران دارد. این عامل در کنار عوامل نگهداری و پاسبانی از محیط و فضاهای اجتماعی از سوی نگهبان محله، پلیس و توانمندی‌های کنترل‌های رسمی از دیگر زمینه‌ها و شرایط مداخله‌ای در چگونگی و میزان وقوع اعمال مجرمانه‌ای است که عمدتاً بر اموال عمومی و مردمی متمرکز می‌باشند. جرائم علیه اموال از جمله جرائمی هستند که در قالب سرقت، دزدی، آتش‌زدن عمدی اموال دیگران، خرید و فروش اموال دزدی، خسارت به اموال و استفاده غیرقانونی وسایط نقلیه جنبه عمومی یافته است (ویکز و همکاران، ۲۰۱۶: ۶-۱).

از بین جرائم علیه اموال، سرقت یکی از مهم‌ترین جرم‌های آسیب‌زننده به نظم و امنیت اجتماعی و عمومی است که در نحوه زندگی شهروندان، عملکرد هزینه‌ای نهادها و سازمان‌ها نظیر خانواده‌ها، کلانتری‌ها، پلیس، زندان و شرایط ساختاری جامعه تأثیر دارد. وقوع سرقت توسط فرد یا افراد در اشکال متنوع خود در ساختارهای جامعه، هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کند و مسائل مختلف اجتماعی را به همراه دارد که از آن جمله تأثیرات اقتصادی برای قربانیان دارد و باعث به هم ریختگی آسایش و امنیت فردی و عمومی می‌شود (پوسیک و همکاران، ۲۰۱۲: ۸۳).

سرقت مسئله‌ای است که هم‌زمان تهدیدکننده امنیت جانی و مالی اعضای جامعه است؛ سارق با ارتکاب به سرقت سعی دارد وضعیت خود را با تجاوز به اموال دیگری بهبود ببخشد. ایجاد حس تهدید مالی و جانی در افراد جامعه، ضمن آنکه با حدود زیادی، انگیزه آن‌ها را برای تلاش و کسب دارایی و ثروت مشروع تضعیف می‌کند، تسهیل‌گر هرج‌ومرج در روابط اجتماعی و تزلزل در بنیان‌های نظم عمومی، و تقویت بی‌سازمانی اجتماعی نیز است (بیانلو، ۱۳۸۸: ۲۲).

مطالعات و پژوهش‌های انجام‌گرفته در خصوص سرقت در ایران طی دو دهه اخیر نتوانسته است بازدارندگی دانش‌محور، مدیریت‌محور و انتظام‌بخش در لایه‌های مختلف جامعه را فراهم سازد و به‌رغم انجام مطالعات، پژوهش‌ها و همچنین برگزاری همایش‌ها و انتشار مقالات متعدد در رابطه با عوامل، زمینه‌ها و بسترهای وقوع سرقت و راهکارهای پیشگیری از سرقت، باز هم سرقت بیشترین وقوع جرم را در کشور به خود اختصاص داده است و روند صعودی آمار سرقت‌های عادی در کشور با تعداد کل سرقت ۲۴۵۸۷۲ فقره در سال ۱۳۷۵ به تعداد ۷۶۵۳۱۶ فقره در سال ۱۳۹۴ دلالتی بر این موضوع است (سالنامه آماری مرکز آمار ایران،

۱۳۹۵: ۵۶۴-۵۶۳). بنابراین، اهمیت موضوع سرقت به اندازه‌ای است که امنیت عمومی را با مخاطرات عدیده‌ای مواجه می‌سازد و آثار نامطلوبی را در جامعه به دنبال دارد. در واقع، سرقت دارای پیامدهای زیان‌بار پهن‌دامنه‌ای در حوزه مسائل اجتماعی است و می‌تواند جامعه، امنیت عمومی مردم، و همچنین دستگاه‌ها و بدنه سازمانی پلیس را با چالش مواجه سازد (سوری، ۱۳۹۳: ۴).

با توسل به روش فراتحلیل، این مطالعه در واقع تلاشی است برای تمهید زمینه‌های انتقال و تفهیم مناسب دانش و پیشینه پژوهشی موجود در حوزه نظم و امنیت اجتماعی به شکل عام و سرقت به شکل خاص برای عموم مردم و همین‌طور متولیان، سیاست‌گذاران و کارگزاران حوزه نظم و امنیت اجتماعی در کشور. بنابراین، نتایج این مطالعه ترکیبی می‌تواند در هدایت خدمات اجتماعی و توانمندسازی نیروهای دخیل در صیانت از نظم و امنیت شهروندان و نحوه مدیریت مهم‌ترین تهدیدکننده‌های امنیت عمومی جامعه از جمله مسئله سرقت نقش مهمی ایفا نماید.

پیشینه تجربی

بیات (۱۳۸۸) در مطالعه «فرا تحلیل سرقت در ایران» بر عوامل مؤثر بر سرقت متمرکز شده است تا با ترکیب راهکارهای ارائه‌شده در مطالعات مورد بررسی، راه‌حلی را جهت رفع معضلات مرتبط با مسئله سرقت ارائه کند. لذا مطالعه مذکور، پژوهش‌های مرتبط با سرقت را براساس چارچوب نظری، پیشینه‌های تجربی، نوع روش و راهکارها، طبقه‌بندی کرده و سپس با انجام ترکیب مطالعات، به ارائه سیاست‌گذاری اقدام نموده است.

نوغانی دخت‌بهمنی و میرمحمدتبار (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم: فراتحلیلی از تحقیقات انجام‌شده در ایران» ابتدا با استفاده از روش مرور نظام‌مند بر روی مقالات، مطالعات مرتبط با اهداف پژوهش را متناسب با روش تحقیق، متغیرها و نوع چارچوب نظری واکاوی کرده و سپس اندازه اثر هر یک از متغیرها را مورد سنجش قرار داده است. جامعه آماری پژوهش مذکور به مقالات مرتبط با عوامل اقتصادی مؤثر بر جرائم سرقت، قتل، جرائم خشن، جرائم مرتبط با مواد و خودکشی مرتبط است. یافته‌های مطالعه نشان داده است که فراوانی جرمی سرقت در این فراتحلیل بیشتر بوده و نابرابری درآمدی بیشترین تأثیر را بر جرم سرقت دارد.

بنت و همکاران (۲۰۰۸) جهت تعیین روابط بین سوءمصرف مواد مخدر و جرم، مطالعه‌ای را به شیوه فراتحلیل انجام داده‌اند. جهت چنین پژوهشی، مطالعات انجام‌گرفته در ۲۵ سال گذشته مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت، ۳۰ مطالعه به‌عنوان نمونه تحلیل شده‌اند. نتایج فراتحلیل نشان داده است احتمال ارتکاب به جرم مصرف‌کنندگان مواد مخدر سه تا چهار

برابر بیشتر از افراد عادی است و این ارتباط در گستره وسیعی از انواع جرائم شامل سرقت، فحشا و مغازه‌زنی مشهود است.

ویکاماسیکرا^۱ و همکاران (۲۰۱۵) در یک مطالعه فراتحلیلی، هزینه‌های سربار شده روی مجرمان رده‌های سنی بزرگسال را بررسی کرده‌اند. این پژوهش از بین جامعه آماری ۸۵۲۰ مورد مطالعه مرتبط با موضوع پژوهش، به ترکیب ۲۱ مورد پژوهش اقدام کرده است. یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که ابتدا سرقت و سپس قتل، هزینه‌های زیادی را سربار مجرمان کرده است. ارزیابی‌های فراترکیب در این مطالعه حکایت از کاهش هزینه‌های جرمی طی پانزده سال برای جامعه آمریکا داشته است؛ البته تحقق چنین امری مشروط به انجام به‌روز مطالعات و تدوین سیاست‌گذاری در خصوص سرقت و سپس قتل برای مجرمان رده‌های سنی بزرگسال بوده است. بازنگری در خصوص برنامه‌ریزی‌های مرتبط با حوزه سیاست‌گذاری قضایی و انتظامی در این حوزه نیز امری ضروری تلقی شده است.

کارجا و وورل^۲ (۲۰۱۵) برای شناسایی ارتباط بین کنترل پلیسی و جرم سرقت، از روش فراتحلیل بهره جسته‌اند. این پژوهش با تمرکز روی مطالعات طولی و استفاده از داده‌های سطح کلان، دست به تعیین جایگاه تجربی این روابط زده است. برای این پژوهش، از ۲۴ مطالعه که حائز شرایط ورود به فراتحلیل بوده‌اند، در ترکیب و تحلیل نهایی دوازده مطالعه به‌عنوان نمونه نهایی در فراتحلیل بررسی و تحلیل شده‌اند. نتایج مطالعه نشان از وجود رابطه حدافلی و معکوس بین کنترل پلیسی و ارتکاب به جرم سرقت دارد.

هایهورست^۳ و همکاران (۲۰۱۷) در یک مطالعه فراتحلیلی در خصوص جرم سرقت به بررسی مطالعات مرتبط با روابط بین مصرف مواد مخدر و جرم پرداخته‌اند و با ترکیب نتایج این مطالعات تلاش داشته‌اند تا روند ارتباطی این دو شاخص و میزان شیوع آن را مشخص کنند. برای انجام این مهم، بیست مطالعه برای فراتحلیل گزینش شده‌اند. یافته‌های مطالعه بعد از تعیین اندازه اثر نشان داده است که چنین روندی در ارتکاب به سرقت نقش مهمی دارد و شواهد دسترس‌پذیر نشان از افزایش رفتارهای جرمی مازاد دارد.

تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های ترکیبی داخلی از جمله مطالعات بیات (۱۳۸۸) و نوغانی‌دخت‌بهمنی و میرمحمدتبار (۱۳۹۴)، و همچنین مطالعات خارجی در نحوه فراترکیب مطالعات در حوزه سرقت و تأکید بر میزان شیوع سرقت براساس نسبت وقوع سرقت است. تحقیقات گذشته در حوزه سرقت به ارزیابی عوامل مرتبط با سرقت پرداخته‌اند بدون اینکه میزان شیوع خود سرقت و به تعبیری اندازه اثر را از منظر نسبت وقوع سرقت مدنظر قرار

1. Wickramasekera
2. Carriaga & Worrall
3. Hayhurst Et Al.

داده باشند. تفاوت دیگر این مطالعه با دیگر پیشینه‌های مطالعاتی، میزان پرداخت به بدنه دانش مرتبط با سرقت است که در مطالعه حاضر تمام پایگاه‌های داده‌ای خاصه پیمایش‌ها و مطالعات انجام‌شده در پژوهشگاه‌ها نیز مدنظر قرار گرفته است. جنبه نوآورانه فراترکیب حاضر، تعیین میزان شیوع سرقت از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵، با هدف تعیین میزان اثربخشی مداخلات برنامه‌ای، رویکردی و همچنین راهبردهای کلان کشور در خصوص موضوع سرقت است.

۲. چارچوب نظری

در گونه‌شناسی جرم، شاخص جرائم در دو سنخ جرائم علیه شخص (که جرائم خشن یا فردی نظیر قتل، تجاوز به عنف و راهزنی نامیده می‌شود) و یا جرائم علیه اموال (نظیر سرقت پنهانی، سرقت بدون توسل به زور و تهدید، سرقت وسیله نقلیه، آتش‌سوزی عمدی اموال) طبقه‌بندی می‌شود که سرقت در زمره جرائم علیه اموال قرار می‌گیرد که براساس آن، اموال مردم مورد سوءاستفاده و تعرض قرار می‌گیرد (مونی و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۱۹-۱۱۸).

سرقت از پدیده‌های جرمی کلاسیک علیه اموال مردم است که در شکل عام به گرفتن اموال کسی بدون موافقت او دلالت دارد و با مؤلفه‌های گرفتن اموال شخص دیگر و مشروط به محروم کردن دائمی قربانی از اموال شناخته می‌شود. این نوع از کردارهای جرمی، به تلاش برای گرفتن هرچیز با ارزش گفته می‌شود که تحت مراقبت، حضانت و یا کنترل یک فرد یا افراد است و با توسل به سلاح، زور و یا تهدید به زور با خشونت و یا ترساندن قربانی نیز همراه است. سرقت را به دلیل استفاده مجرمان از نیرویی برای به دست آوردن پول یا اجناس و همچنین به دلیل این که زندگی قربانی‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد، در زمره جرائم خشن طبقه‌بندی می‌کنند (سیگل، ۲۰۱۶: ۳۵۵-۳۵۶). مطالعات و گزارش‌های مختلفی در ارتباط با جرم سرقت تهیه شده است و هرکدام براساس تحلیل‌های آماری به طبقه‌بندی سرقت براساس الگوهای مستخرج از آن مطالعات پرداخته است. عمده مطالعات به سنخ‌بندی‌های کلاسیک انجام گرفته توسط مک‌کلینتاک و گییسون (۱۹۶۱) اشاره کرده‌اند که براساس آن، سرقت‌ها در پنج حوزه متفاوت طبقه‌بندی شده است:

۱. سرقت از افرادی که پول و اجناس آن‌ها محافظت می‌شوند: این طبقه از سرقت شامل سرقت‌ها از بنگاه‌های تجاری نظیر مغازه‌های جواهرآلات، بانک‌ها و ادارات می‌شود؛
۲. سرقت در فضای باز: این نوع از سرقت شامل حملات خیابانی، قاپ‌زنی کیف پول، و سایر حملات خیابانی در محوطه پارکینگ یا گاراژ است؛
۳. سرقت در اماکن خصوصی: به طور معمول در منازل مسکونی اتفاق می‌افتد؛
۴. سرقت در نتیجه آشنایی کوتاه‌مدت: سرقتی که بعد از یک ملاقات تصادفی صورت می‌گیرد، نظیر ملاقات در مهمانی؛

۵. سرقت در نتیجه آشنایی بلندمدت: این نوع از سرقت نسبتاً کم اتفاق می‌افتد ولی به شکل قاعده‌مندی انجام می‌گیرد (نقل از مایر و رُبرسون، ۲۰۱۶: ۱۴۲).
- سیگل (۲۰۱۶) گونه‌شناسی سرقت را به این صورت انجام داده‌است:
۱. سرقت در فضای باز: این سرقت‌ها شامل حملات خیابانی، کیف‌چاپی و سایر حملاتی می‌شود که حدود ۶۰ درصد از سرقت‌های گزارش شده را شامل می‌شود. سرقت‌های خیابانی که بیشتر به شکل قاپیدن و با کتک‌کاری همراه است به قربانیانی مربوط می‌شوند که از پشت مورد دزدی قرار می‌گیرند و یا با سلاح از پشت تهدید می‌شوند. اغلب سارقان خیابانی، افرادی نظیر فروشندگان یا دلالان موادمخدر را هدف قرار می‌دهند؛ چراکه آن‌ها برای معامله مواد پول زیادی با خود حمل می‌کنند؛
 ۲. سرقت تجاری: این نوع از سرقت در کسب‌وکارهایی نظیر بانک‌ها رخ می‌دهد و در زمره اهداف مشکلی هستند که سرقت از آن‌ها به دلیل سطح بالای امنیت مشکل است؛
 ۳. سرقت از ساختمان‌های خصوصی: این نوع از سرقت به خانه‌های مردم اشاره دارد؛
 ۴. سرقت پس از ارتباط کوتاه اولیه: این نوع از سرقت بعد از برخورد تصادفی افراد مثلاً در مهمانی و یا ملاقات جنسی اتفاق می‌افتد؛
 ۵. سرقت پس از ارتباط طولانی بین قربانی و مجرم: این نوع از سرقت در آشنایی نزدیک و صمیمی اتفاق می‌افتد؛
 ۶. ماشین‌ربایی: نوعی از سرقت کامل یا مبادرت شده برای وسیله نقلیه‌ای است که به زور یا با تهدید به استفاده از زور انجام می‌گیرد (سیگل، ۲۰۱۶: ۳۲۱).
- والش (۲۰۰۲) معتقد است بی‌سازمانی اجتماعی به دو طریق بر افزایش میزان جرم تأثیر می‌گذارد: اول) بی‌سازمانی اجتماعی موجب تحلیل رفتن شبکه‌های کنترل اجتماعی غیررسمی می‌شود، دوم) بستر مناسب را برای ارتکاب به رفتارهای ضداجتماعی فراهم می‌نماید (علی‌پوردی‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۷۳).
- مطالعات موریس و باتومز و وایلز در مقایسه با نسل اول، با تمرکز روی عامل فضا، به تبیین اعمال مجرمانه پرداخته‌اند. در واقع نسل اول روی منطقه و نسل دوم در انگلستان روی مکان (زمان و مکان آنتونی گیدنز) و توزیع جرم در فضای جغرافیایی برحسب مناطق تأکید کرده‌اند (مک‌گوایر، مورگان و راینر، ۲۰۱۲: ۴۷۲؛ باتومز و وایلز، ۱۹۹۲: ۱۴).
- در پنجره‌های شکسته^۱ کلینگ و ویلسون، بی‌توجهی به اخلاق در نظم عمومی و اعمال تخریبی چون نوشتن و کشیدن اشکال روی دیوارها، ریختن زباله، تخریب اموال عمومی،

نوشیدن مشروبات الکلی در انظار عمومی، گدایی و ولگردی حاکی از عدم توجه به بزهکاری است و موجب می‌گردد زمینه برای جرایم مهم‌تر فراهم شود (همان، ۲۰۱۲: ۴۷۸).

مسئور و روزنفلد آنومی نهادی را با استناد به رویکرد آنومی اجتماعی مرتن، طراحی کردند که در آن بر عدم تعادل بین اهداف و وسایل فرهنگی تأکید می‌شد. مطابق این دیدگاه، تلاش برای موفقیت دارای پیامدها و عواقب جرم‌زا از جانب طبقات پایین و بالای جامعه مشابه یکدیگر است؛ به این مفهوم که دسترسی عادلانه‌تر به فرصت‌های مشروع در زمینه اقتصادی، نه تنها در کاهش جرم اثرگذار نیست بلکه میزان وقوع جرم در نتیجه تشدید تأکید روی اهداف فرهنگی موفقیت اقتصادی، افزایش می‌یابد (ماتوم و لی، ۲۰۰۳: ۱۱۳۹).

رویکرد نظری موسوم به نظریه فعالیت روزمره^۱، تلاش سطح کلانی برای شناسایی عرضه فرصت‌های مبتنی بر کردارهای بزهکارانه و فهم الگوهای جرمی است که از سوی کوهن و فلسون (۱۹۷۹) طرح شده است. در این رویکرد روی رویدادهای مجرمانه، توزیع آن‌ها و خوشه‌بندی در سراسر زمان و مکان به‌جای تمایلات مجرمانه توجه شده است. در نتیجه افزایش نسبت خانه‌های خالی در روز به‌دلیل ازدیاد خانوارهای تک‌نفری و مشارکت گسترده زنان در محیط‌های کاری و رشد دسترس‌پذیری کالاها و اجناس ارزشمند، جرم و جنایت از دهه ۱۹۶۰ رو به گسترش گذاشته است (مک‌گوایر، مورگان و راینر، ۲۰۱۲: ۷۷۴-۷۷۵). آن‌ها معتقدند میزان و توزیع جرم با سه عنصر قابلیت دسترسی به قربانیان یا سوژه‌های مناسب (نظیر منازل یا مغازه‌هایی که کالا در آن، به‌راحتی فروش می‌رسد)، نبود نگهبانان و محافظان دقیق (مالکان منازل، همسایگان، دوستان، بستگان، سیستم‌های امنیتی) و حضور بزهکاران با انگیزه (افراد بیکار، سوءاستفاده‌کنندگان مواد مخدر) در ارتباط است. مضمون اصلی نظریه انتخاب عقلانی، رویکرد مبتنی بر فرصت-انتخاب^۲ است و جرم نتیجه فرایند تصمیماتی است که در آن، مجرم توانمند هزینه-فایده ارتکاب به جرم را تحلیل می‌کند تا ریسک دستگیری، احتمال تنبیه و ضرورت افزایش عمل مجرمانه را ارزیابی کند و بر این اساس، اگر فواید اقتصادی چنین کردار مجرمانه‌ای کمتر باشد و یا شانس دستگیری در آن خیلی زیاد باشد، از ارتکاب به جرم خودداری می‌کند (وانگ، ۲۰۰۲: ۵۵۷).

نظریه انتخاب عقلانی^۳ تلاش دارد تا نحوه تصمیم‌گیری انسان را مورد تبیین قرار دهد و برای این امر، ایده‌های نئوکلاسیک در جرم‌شناسی را مجدداً در خصوص انگیزه‌های انسان احیا می‌کند (مک‌گوایر، مورگان و راینر، ۲۰۱۲: ۷۷۵). در این رویکرد، کلارک و کورنیش (۱۹۸۵) جرم را از دید بزهکار ارزیابی می‌کنند و به‌دنبال این هستند که چرا هریک از مجرمان به جرم

1. Routine Activity Theory
2. Opportunity-Choice
3. Rational Choice Theory

خاصی گرایش دارند، آن‌ها دنبال چه هستند و هدف آن‌ها از ارتکاب به جرم چیست و منافع ناشی از عمل مجرمانه را چگونه ارزیابی و ارزش‌گذاری می‌کنند؟ این نظریه، چهار اصل احتمال انتخاب‌های مجرمانه را مورد توجه قرار داده‌است: اصل اول) محدود کردن راه‌های دستیابی به اهداف مجرمانه؛ اصل دوم) افزایش احتمال خطر برای ارتکاب بزهکاری؛ اصل سوم) کاهش منافع ارتکاب جرم؛ و اصل چهارم) تدوین ضوابط مناسب برای پیشگیری از جرم. نتایج ارزیابی رویکردهای نظری حکایت از این دارد که دیدگاه‌های مورد استناد از ابعاد اقتصادی، ساختاری، فضایی، و فردی مقوله سرقت را مورد توجه قرار داده و به تعلیل و تبیین رفتارهای مجرمانه پرداخته‌اند.

۳. روش‌شناسی

با توجه به ماهیت و رویکرد خاص این مطالعه، جامعه آماری (چارچوب مطالعه) و حجم مطالعاتی این پروژه شامل همه مطالعات پژوهشی و مداخله‌ای در قلمرو سرقت و انواع آن است که به صورت مکتوب و مستند علمی از جمله در قالب پایان‌نامه‌های دانشجویی، کتب و مقاله‌های علمی-پژوهشی و آثار علمی در دو دهه گذشته (۱۳۷۵-۱۳۹۵) منتشر شده‌اند. برای تعیین جامعه آماری، مراحل بدین شرح انجام گرفت:

- شناسایی پژوهش‌های مرتبط با سرقت و انواع آن از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵؛
 - مطالعاتی که شیوع سرقت یا یکی از گونه‌های آن را در گزارش اشاره کرده باشند؛
 - تعیین ارتباط موضوعی و محتوایی این مطالعات با اهداف پژوهش؛
 - جست‌وجوی منابع در سال ۱۳۹۵ و بررسی متون و مراجعه به منابع مورد استناد این مطالعات و تقویت حساسیت موضوعی و محتوایی از نظر منابع و مآخذ؛
 - ارزیابی فرایند جست‌وجو توسط ناظر خارجی جهت اطمینان از عدم حذف مطالعات مرتبط؛
 - بررسی مقدماتی با مراجعه به چکیده‌های مطالعات و حذف مطالعات تکراری و تناسب‌سازی با ملاک‌های مورد نظر در اهداف تحقیق.
- لازم به ذکر است که مطالعات در سطح کشور ایران انجام گرفته‌اند.

جدول ۱. کل منابع و تعداد جست‌وجوها در بانک‌های اطلاعاتی و موتورهای جست‌وجوگر

ردیف	منبع	تعداد
۱	مگ‌ایران (magiran)	۹۲
۲	نورمگز (noormages)	۹۱
۳	ایران‌داک (irandoc)	۱۴۶
۴	سامانه یکپارچه نشریات ناجا	۱۳۲
۵	پایگاه الکترونیک اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (sid)	۴۸
۶	سامانه نشر مجلات علمی دانشگاه تهران	۸
۷	گوگل اسکولار (google scholar)	۱۶
۸	سامانه اطلاعات پژوهشی ناجا	۱۳۴
۹	دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا	۱
	جمع کل	۶۶۸

فرا تحلیل مطالعات سرقت در ایران

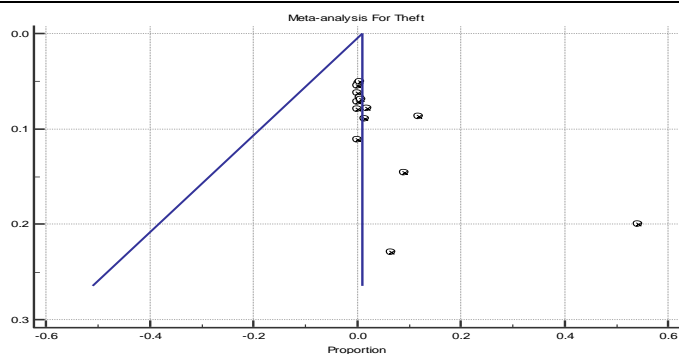
در این فرا تحلیل، تعداد ۶۶۸ مورد به عنوان نمونه اولیه و جهت ارزیابی داوران به کار رفتند. در این مرحله سه داور (اعضای گروه تحقیق که سابقه کار فرا تحلیل داشته‌اند) به عنوان تیم فرا تحلیل با ارزیابی نمونه‌ها، اقدام به شناسایی منابع تکراری، غیرمرتبط با اهداف تحقیق و نیز شباهت محتوایی و موضوعی با دیگر موارد کردند. در این ارزیابی تعداد ۴۵۳ منبع تکراری، مشابه و غیرمرتبط بود. بعد از استخراج ۲۱۵ مورد، ارزیابی مجدد داوران و تدقیق در متن منابع، ۱۴۶ مورد از منابع فاقد کیفیت مناسب تشخیص داده شد و در نهایت ۶۹ مورد جهت تحلیل اولیه و ۱۹ مورد برای ترکیب و تحلیل نهایی انتخاب شدند (شکل ۱).

شرط عمومی: سال انتشار و منابع شامل پایگاه‌های علمی داخلی و خارجی

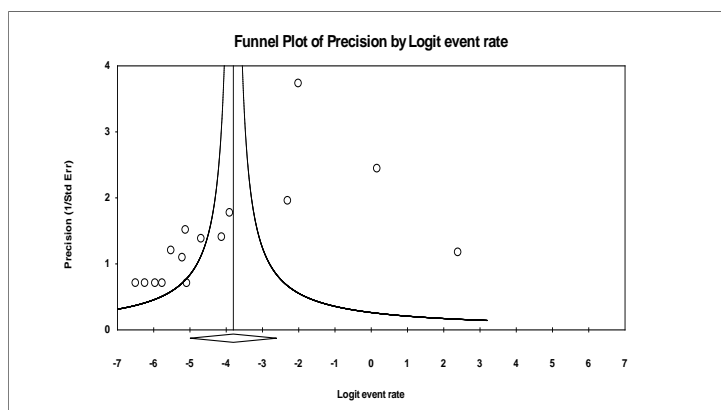
جستجوی اولیه	تعداد: ۶۶۸ مورد
غربال‌گری	منابع تکراری، و غیرمرتبط و مشابه: ۴۵۳ مورد
	تعداد موارد غربال‌گری: ۲۱۵ مورد
بررسی کلی	موارد فاقد کیفیت مناسب: ۱۴۶ مورد
	موارد با محتوای مشابه و ضعف روشی: ۶۹ مورد
	موارد برای تحلیل اولیه و مقدماتی: ۶۵ مورد
مطالعات انتخابی	تعداد انتخاب نهایی: ۱۹ مورد

شکل ۱. فلوچارت مراحل ورود و انتخاب منابع جهت سنتز نهایی

معمول‌ترین و ساده‌ترین روش شناسایی تورش انتشار، استفاده از یک نمودار پراکندگی دوبعدی به نام نمودار کیفی است که در آن، اثر مداخله برآورد شده از هر مطالعه در مقابل اندازه نمونه آن مطالعه رسم شود. چنانچه تورش انتشار وجود نداشته باشد انتظار این است که نمودار متقارن باشد و مقدار پراکندگی حول اندازه اثر مداخله با افزایش اندازه نمونه کاهش یابد (لیتل و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۱۲). از نظر تفسیری، مطالعاتی که خطای استاندارد پایین دارند و در بالای قیف جمع می‌شوند، دارای سوگیری انتشار نیستند. ولی هرچه مطالعات به سمت پایین قیف کشیده می‌شوند، خطای استاندارد آن‌ها بالا می‌رود و سوگیری انتشار آن‌ها افزایش می‌یابد. بنابراین با توجه به شکل ۲، از آنجا که متغیرهای مطالعات در بالای نمودار جمع شده است بر عدم سوگیری انتشار دلالت دارد.



شکل ۲. نمودار کیفی سوگیری انتشار شیوع سرقت در کشور



شکل ۳. نمودار کیفی سوگیری انتشار شیوع سرقت در کشور براساس اثرات تصادفی

نتایج ارزیابی جدول ۲ و اطلاعات همبستگی تائوی-بی کندال با مقدار $0/07$ ، و سطح معناداری یک دامنه برابر با $0/39$ و دو دامنه برابر با $0/75$ بیان گر متقارن بودن نمودار کیفی و عدم سوگیری انتشار است.

جدول ۲. نتایج بررسی روش همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار^۱

P		Z	Kendall's tau-b	شاخص آماری
یک دامنه	دو دامنه			
$0/39$	$0/75$	$0/37$	$0/08$	نتایج

نتایج رگرسیون خطی اگر^۲ با برش $3/93$ ، فاصله اطمینان ۹۵ درصد برابر $2/54$ است و براساس مقدار سطح معناداری یک دامنه برابر با $0/01$ و دو دامنه برابر با $0/03$ چنین مشخص

1. Begg & Mazumdar
2. Egger

فرا تحلیل مطالعات سرقت در ایران

است که فرض مبتنی بر متقارن بودن نمودار کیفی و عدم سوگیری انتشار تأیید می‌گردد (جدول ۳).

جدول ۳. نتایج بررسی رگرسیون خطی اگر

p		t	SE	B	شاخص آماری
یک دامنه	دو دامنه				
۰/۰۳	۰/۰۱	۲/۵۴	۱/۶۱	۳/۹۳	نتایج

B = برش SE = خطای استاندارد

۴. یافته‌ها

ارزیابی وضعیت فرا تحلیلی مطالعات سرقت در دو دهه اخیر نشان داد که روند مطالعاتی سرقت برای ۶۹ مطالعه اولیه برای فرا تحلیل در قالب‌هایی به این شرح آمده است:

۱. رویکردها و سطوح تحلیلی کلان-میانی-خرد و چندسطحی؛
۲. استراتژی‌های قیاسی، استقرایی، استقرایی-قیاسی (روش‌شناسی کمی، کیفی، ترکیبی)؛
۳. سنخ‌های مختلف سرقت در معنای عام و اخص مانند سرقت از منازل، سرقت خودرویی و وسایل آن، سرقت مسلحانه، سرقت به عنف، سرقت از مغازه و ...

جدول ۴. مشخصات بدنه دانش سرقت طی دو دهه (۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵) در کشور

فراوانی	نوع	شاخص
۳۲	سرقت در معنای عام	شاخص‌ها و مؤلفه‌ها
۱۱	سرقت از منازل و اماکن	
۴	سرقت مسلحانه	
۸	سرقت خودرو	
۳	سرقت مغازه	
۶	سرقت به عنف	
۲	سرقت دام و احشام	
۳	سرقت‌های خرد	
-	چندسطحی	
۴	کلان	رویکردها/سطوح تحلیل
-	میانی	
۶۵	خرد	
۶۶	کمی/قیاسی	روش استراتژی
۳	کیفی/استقرایی	
-	ترکیبی/قیاسی-استقرایی	

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد بدنه دانشی و پیشینه مطالعات سرقت طی دو دهه اخیر، روی سطح تحلیلی خرد، معنای عام سرقت و کمی‌گرایی صرف متمرکز بوده است. بر اساس معیارهای ورود و خروج به فرا تحلیل، از کل ۶۹ مورد انتخابی، فقط نوزده مطالعه برای انجام فرا تحلیل انتخاب شدند که از بین این نوزده مطالعه که معیارهای لازم را برای ورود به فرا تحلیل پیدا کردند، همه آن‌ها در بیش‌تر موارد به مفهوم سرقت در معنای عام آن

پرداخته بودند (به مقوله سرقت به صورت عمومی و نه به طور خاص پرداخته بودند) که یازده مورد به طور مستقیم به سرقت و مابقی به نسخ‌های سرقت نظیر سرقت مسلحانه، عنف و نظایر آن توجه داشتند. مدل اثرات تصادفی که تخمینی محافظه‌کارانه و مبتنی بر فاصله اطمینان زیاد است، در شرایطی که ناهمگونی بین مقادیر شیوع وجود داشته باشد، بر مدل اثر ثابت مرجح است و ترکیب نتایج از طریق مدل اثرات تصادفی انجام می‌شود. شاخص ناهمگونی با استفاده از آماره I^2 ، دلالتی بر درصد تنوع کلی مشاهده شده در بین مطالعاتی دارد که این تنوع به علت ناهمگونی واقعی است تا ناشی از تصادف یا شانس.

$$I^2 (\text{inconsistency}) = 100\% \times (Q - df)/Q$$

در این فرمول، Q یعنی آماره ناهمگونی کوکران و df به درجه آزادی اشاره دارد. ارزش منفی I^2 مساوی صفر در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین I^2 بین صفر تا ۱۰۰ درصد قرار می‌گیرد که براساس این پیوستار وقتی I^2 نزدیک یا مساوی صفر می‌شود هیچ ناهمگونی‌ای بین مطالعات فراتحلیلی وجود ندارد ولی میزان‌های بیشتر I^2 دلالتی بر افزایش ناهمگونی دارد (پتیکریو و رابرتس، ۲۰۰۶: ۲۱۷؛ هادداوا یا و ریتوینسکی، ۲۰۱۸: ۳۵۸؛ لیتل و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۰۵). نتایج مطالعه در جدول (۵) براساس مفروضه Q (برای تعیین میزان ناهمگونی بین مطالعات مختلف در بدنه دانش و پیشینه‌های پژوهش مورد استفاده است که معناداری در سطح کمتر از ۵ درصد نشان از این دارد که مطالعات مرتبط با بدنه دانش ناهمگون هستند و تلفیق آن‌ها با مدل آثار ثابت معقول نیست و باید از مدل تصادفی استفاده شود)، (۲۴۰/۱۹۸۲، $p > 0.001$) فرض صفر مبنی بر همگن بودن مطالعات تأیید شده است و فرض همگونی میان پژوهش‌ها رد می‌شود که اطلاعات مبتنی بر شاخص I^2 نشان از بالابودن این شاخص و نزدیکی به عدد یک دارد (۹۲/۵۱ درصد). برای تعیین میزان شیوع سرقت، از نوزده مطالعه انتخابی براساس معیارهای ورود و خروج، نسبت مقادیر عددی شاخص سرقت و یا یکی از نسخ‌های آن به‌عنوان مبنای محاسبه به کار رفت و نتایج آن در نرم‌افزار به صورت میزان شیوع به درصد محاسبه شده است. لازم به ذکر است که اندازه اثر شامل نسبت عددی (در این مطالعه) و یا ارتباط بین متغیرها ظاهر شود.

فرا تحلیل مطالعات سرقت در ایران

جدول ۵. برآورد شیوع سرقت طی دو دهه (۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵) در کشور

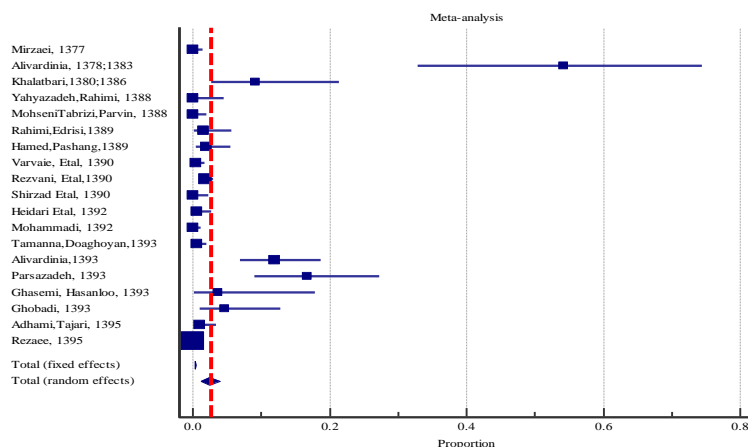
S	مشخصات مطالعه	حجم نمونه	شیوع (به درصد)	فاصله اطمینان ۹۵ درصد
۱	میرزایی، ۱۳۷۷	۲۵۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰ تا ۱/۴۳۶
۲	علیوردی‌نیا، ۱۳۷۸، ۱۳۸۳	۲۴	۲۴/۱۶۷	۱۲/۸۲۱ تا ۳۴/۴۴۷
۳	خلعتیری، ۱۳۸۶	۴۶	۹/۱۳۰	۲/۱۳۵۶ تا ۲۱/۶۵۱
۴	یحیی‌زاده، رحیمی، ۱۳۸۸	۸۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰ تا ۴/۵۰۶
۵	محسنی‌تبریزی و پروین، ۱۳۸۸	۱۹۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰ تا ۱/۹۰۳
۶	رحیمی و ادیسی، ۱۳۸۹	۱۲۵	۱/۶۰۰	۰/۱۹۴ تا ۵/۶۶۰
۷	حامد و پشنگ، ۱۳۸۹	۱۶۱	۱/۹۸۸	۰/۴۴۱ تا ۵/۵۳۰
۸	وروایی و همکاران، ۱۳۹۰	۳۶۲	۱/۸۱۱	۱۰/۴۹ تا ۲/۹۰۴
۹	رضوانی و همکاران، ۱۳۹۰	۹۱۱	۰/۱۳۴	۰/۰۰۶ تا ۰/۶۵۱
۱۰	شیرزاد و همکاران، ۱۳۹۰	۱۵۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰ تا ۲/۳۰۸
۱۱	حیدری و همکاران، ۱۳۹۲	۲۲۰	۰/۵۴۵	۰/۰۲۳۳ تا ۲/۶۶۰
۱۲	محمدی، ۱۳۹۲	۳۳۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰ تا ۱/۱۱۳
۱۳	تمنا و دعاگویان، ۱۳۹۳	۳۸۶	۰/۵۹۶	۰/۰۸۸۸ تا ۱/۹۸۰
۱۴	علیوردی‌نیا، ۱۳۹۳	۱۳۳	۱۱/۸۸۰	۶/۹۱۸ تا ۱۸/۶۲۴
۱۵	پارسازاده، ۱۳۹۳	۷۳	۱۶/۶۷۱	۸/۹۶۹ تا ۲۷/۲۲۳
۱۶	قاسمی و حسنیلو، ۱۳۹۳	۳۰	۳/۷۰۰	۰/۱۲۸ تا ۱۷/۷۷۹
۱۷	قیادی، ۱۳۹۳	۶۶	۴/۶۳۶	۰/۹۸۷ تا ۱۲/۸۴۲
۱۸	ادهمی و تجری، ۱۳۹۵	۲۱۰	۰/۹۱۴	۰/۱۰۴ تا ۳/۳۳۸
۱۹	رضایی، ۱۳۹۵	۸۰۵۲	۰/۰۶۸۳	۰/۰۲۳۷ تا ۰/۱۵۴
	کل (اثرات ثابت)	۱۱۸۱۴	۰/۳۱۱	۰/۲۱۹ تا ۰/۴۲۹
	کل (اثرات تصادفی)	۱۱۸۱۴	۲/۳۱۸	۱/۱۱۳ تا ۳/۹۴۶
آزمون ناهمگونی I (Inconsistency test)				
	Q	۲۴۰/۱۹۸		
	df	۱۸		
	p	۰/۰۰۰۱		
	I ²	۹۲/۵۱ درصد		
	95% CI for I ²	۸۹/۷۱ تا ۹۴/۵۴		

شیوع واقعی سرقت طی دو دهه اخیر، عددی است بین حداقل یک درصد (۱/۱۱۳) و حداکثر ۴ درصد (۳/۹۴۶). به این مفهوم که طی دو دهه اخیر، میزان شیوع سرقت برای هر ۱۰۰ نفر، بین یک تا چهار نفر است. همچنین، بالاترین میزان شیوع سرقت با رقم ۲۴ درصد (۲۴/۱۶۷) در مطالعه علیوردی‌نیا (۱۳۷۸، ۱۳۸۳) و در مرتبه دوم میزان شیوع با رقم ۱۷

۱. میزان بالای مقادیر عددی این مطالعه برای هر استان آمده بود. بنابراین مقدار عددی آن در مطالعه براساس سطح کلان تحلیل، و بعد از همسان‌سازی مقادیر عددی با دیگر مطالعات به این صورت تغییر یافته است.

درصد (۱۶/۶۷۱) در مطالعه پارسازاده (۱۳۹۳) گزارش شده است؛ به این مفهوم که در اواخر دهه هفتاد (۱۳۷۸) از هر ۱۰۰ نفر، میزان شیوع سرقت بین حداقل ۱۲ نفر تا حداکثر ۳۴ نفر، و در اوایل دهه نود میزان شیوع سرقت بین حداقل ۹ تا حداکثر ۲۷ نفر بوده است. این روند نشان می‌دهد که در اوایل دهه ۸۰، گرایش به وقوع سرقت در کشور شایع بوده است و بعد از برنامه‌های مداخلاتی و سیاست‌گذاری‌ها میزان شیوع کاهش یافته است و سرانجام در سال ۱۳۹۳ متناسب با شرایط تحریم‌ها و اوضاع نابسامان اقتصادی کشور، میزان شیوع سرقت رو به فزونی گذاشته است.

برای کل مطالعه، شیوع سرقت بر اساس برآیند کل مطالعات در سطح کشور با استفاده از مدل اثر ثابت ۰/۳۱ (فاصله اطمینان ۰/۲۱۹ تا ۰/۴۲۹) و با استفاده از مدل اثر تصادفی ۲/۳۱۸ (فاصله اطمینان ۱/۱۱۳ تا ۳/۹۴۶) است. با توجه به میزان ناهمگونی بسیار بالا بین درصد‌های گزارش شده در مطالعات ($I^2=92\%/51$) از مدل تصادفی استفاده شد؛ چراکه بر اساس مدل تصادفی دقت کمتر و فاصله اطمینان بیشتر برای برآورد کلی ارائه می‌شود. بر اساس مدل تصادفی، شیوع واقعی سرقت طی دو دهه گذشته عددی را بین حداقل یک درصد و حداکثر ۴ درصد نشان می‌دهد.

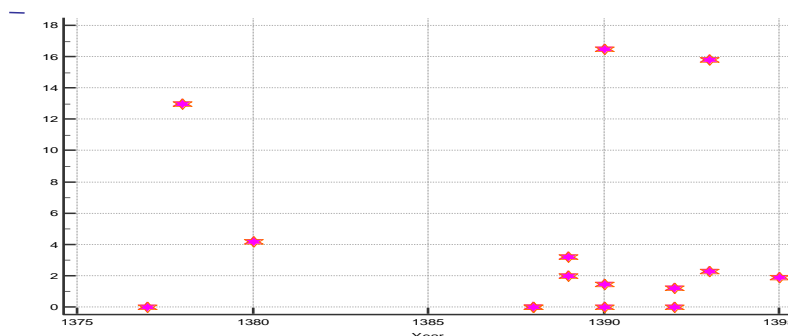


شکل ۴. نمودار انباشت شیوع سرقت در کشور (۱۳۷۵-۱۳۹۵)

در شکل ۴ میزان شیوع سرقت در مطالعه تمنا و دعاگویان (۱۳۹۳) بیشترین وزن و میزان شیوع به دست آمده از مطالعه علیوردی‌نیا (۱۳۷۸، ۱۳۸۳) کمترین وزن داده شده است. مطالعاتی (نظیر رضایی، ۱۳۹۵) که حجم نمونه بیشتری (جعبه‌های بزرگ‌تری) دارند، فاصله اطمینان کوچک‌تر و بالعکس، مطالعات با حجم نمونه کم‌تر (نظیر رضوانی و همکاران، ۱۳۹۰؛ علیوردی‌نیا، ۱۳۷۸، ۱۳۸۳؛ خلعتبری، ۱۳۸۰، ۱۳۸۶؛ یحیی‌زاده و رحیمی، ۱۳۸۸)

فرا تحلیل مطالعات سرقت در ایران

از فاصله اطمینان بزرگ‌تری برخوردار هستند. با انتخاب زیرمجموعه‌ای از مطالعات مرتبط با سرقت در سطح کشور برای سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵، جمعاً ۱۱۸۱۴ نفر در فرا تحلیل در نظر گرفته شده‌اند.



شکل ۵. برازش سال انجام مطالعه براساس شیوع سرقت در کشور

نمودار رگرسیون سال انجام مطالعه بر میزان شیوع سرقت بدون در نظر گرفتن حجم نمونه مطالعاتها (چپ) و با احتساب حجم نمونه مطالعاتها (راست) نتایج پراکنده و مقادیری که به خط رگرسیونی نزدیک هستند را نشان می‌دهد. بیشتر مطالعاتها که بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ انجام شده است نزدیک به خط رگرسیونی هستند.

جدول ۶. تعیین اثرات متغیر تعدیل‌کننده رشته تحصیلی در فرا تحلیل سرقت

آزمون فرض صفر دو دامنه		اندازه اثر و اطمینان ۹۵ درصد			طبقات	
p	Z	حد بالا	حد پایین	برآورد	تعداد	
۰/۰۰۰	۱۴/۸۶	۰/۱۱	۰/۰۵	۰/۰۹	۱۴	جامعه‌شناسی
۰/۰۰۰	۸/۱۷	۰/۰۷	۰/۰۱	۰/۰۳	۳	جرم‌شناسی
۰/۰۰۰	۳/۵۸	۰/۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۱	۱	مددکار اجتماعی
۰/۰۰۵	۲/۸۱	۰/۹۸	۰/۶۷	۰/۹۲	۱	جغرافیا
۰/۰۰۰	۱۶/۳۱	۰/۱۰	۰/۰۶	۰/۰۸	۱۹	مجموع
آزمون ناهمگونی						
I^2	p	df	Q			
۹۱/۹۳	۰/۰۰۰	۱۳	۱۱۱/۴۴			
۸۵/۵۹	۰/۰۰۱	۲	۱۳/۸۸			
۰/۰۰۰	۱	۰	۰/۰۰۰			
۰/۰۰۰	۱	۰	۰/۰۰۰			
۹۱/۶۴	۰/۰۰۰	۱۸	۱۶۶/۳۲			

بررسی اثرات متغیرهای تعدیل‌کننده در مطالعات فراتحلیلی با ارجاع به رشته تحصیلی محقق یا محققان نشان از نوع نگاه تحلیلی و رویکرد مطالعاتی فرهنگ رشته‌ای دارد که

باعث ایجاد دگرگونی در روند مطالعه و نتایج استخراجی پژوهش‌ها می‌شود. نتایج براساس مفروضه Q، (۱۶۶/۳۲، $p > 0/0000$) فرض همگونی میان پژوهش‌ها را رد کرده است که اطلاعات مبتنی بر شاخص I^2 نشان از بالابودن این شاخص و نزدیکی به عدد یک دارد (۹۱/۶۴ درصد). در واقع مطالعاتی که در خصوص سرقت انجام شده‌اند به رشته جامعه‌شناسی با تعداد چهارده مورد مرتبط هستند و این نشان می‌دهد که حضور تخصص‌های دیگر در بین ۱۹ مطالعه انجام‌گرفته باعث ایجاد حفره‌ها و خلأهای معرفتی و روش‌شناختی در مطالعات حوزه سرقت شده است؛ در واقع، ورود رشته‌های دیگر علمی بدون توسل جستن به منطق تبیینی و تحلیلی روشمند زمینه‌های ایجاد خلأ و حفره‌های روشی و نظری را دامن می‌زنند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج فراتحلیل، فراترکیب و فراتلخیص در خصوص دانش انباشته موجود در زمینه سرقت و سنخ‌های آن در ارتباط با سؤالات پژوهش نشان داد که از نظر روندی و تقویم زمانی، بدنه دانش و متون مرتبط با سرقت در دو دهه اخیر در قالب مقالات علمی-پژوهشی (مانند خلعتبری، ۱۳۸۰، ۱۳۸۶؛ یحیی‌زاده و رحیمی، ۱۳۸۸) و بعضاً پژوهش‌های سازمانی (مانند علیوردی‌نیا، ۱۳۷۸، ۱۳۸۳)، و دانشگاهی و پایان‌نامه‌ای (مانند میرزایی، ۱۳۷۷)، در حوزه فرهنگ رشته‌های جامعه‌شناسی (میرزایی، ۱۳۷۷؛ علیوردی‌نیا، ۱۳۸۳؛ یحیی‌زاده و رحیمی، ۱۳۸۸؛ محسنی‌تبریزی و پروین، ۱۳۸۸؛ رحیمی و ادریسی، ۱۳۸۹؛ حامد و پشنگ، ۱۳۸۹؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۲؛ محمدی، ۱۳۹۲؛ علیوردی‌نیا، ۱۳۹۳؛ ادهمی و تجری، ۱۳۹۵)، در سطح تحلیلی خرد، با استراتژی پژوهشی قیاسی - فرضیه‌ای و ابزار پرسشنامه محقق شده است. شواهد و منابع مورد بررسی در خصوص سرقت نشان از غلبه سنت اثبات‌گرایی در مطالعات مرتبط با سرقت دارد. لذا نتایج بررسی نشان داد این گروه از پژوهش‌ها در استفاده از دیگر استراتژی‌های پژوهشی نظیر ترکیبی، استقرایی، و غیره با خلأ پژوهشی مواجه بوده‌اند. بر همین اساس، مسیر روش‌شناختی مبتنی بر اثبات‌گرایی باعث شده است تا مطالعه سرقت به دور از مطالعات اکتشافی و احصاء مفاهیم کیفی مرتبط با وقوع سرقت، روی پرسشنامه‌های کمی متمرکز شود و استفاده از این استراتژی پژوهشی، عامل از قلم‌افتادن علل زمینه‌ای و ساختاری وقوع سرقت شده است.

بنابراین، مداخلات با هدف پیشگیری از سرقت در سطح کشور، براساس روند شیوع سرقت نشان می‌دهد که ظهور و بروز سرقت در سطح کشور متناسب با زیرساخت‌های اشتغال استان‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای متفاوت بوده و دارای نتایج اثربخشی نبوده‌اند. همچنین، نتایج این مطالعات عمدتاً به صورت دانشگاهی-بنیادی و به‌دور از گزینه‌های

اجرایی- عملیاتی مورد استفاده و استناد مرکزیت پلیس پیشگیری و پلیس عملیات ویژه در مبارزه و مدیریت معضلاتی نظیر سرقت بوده است.

تمرکز بدنه دانشی سرقت بر سطح تحلیلی خرد از جانب پژوهشگران، زمینه تحلیل را نسبت به سطوح میانی و کلان با فراموشی همراه ساخته و به نوعی با حفره بینشی توأمان شده است تا پیشینه‌های پژوهشی به سمت این نوع از تحلیل هدایت شوند. هدایت مطالعات به سمت سطح تحلیل خرد با بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه، خاصه از نوع محقق ساخته و بعضاً بدون پیش‌آزمون و در نظر گرفتن کیفیت ابزار پژوهش، باعث شده است تا برنامه‌ریزی پروتکل پژوهش برای انجام هدفمند و علمی مطالعات با کاستی‌های روش‌شناختی و تحلیلی همراه شود.

تمرکز عمده مطالعات بر مقوله سرقت در معنای عام و کلی و البته بی‌توجهی به خود سنج و محتویات مفهومی و سنجشی آن باعث شده است تا اکثر مطالعات از پرداختن به وضعیت توصیفی خود سرقت یا نوع آن در قلمرو مکانی مورد مطالعه، اجتناب کرده و مطالعه را با نوعی خلأ مهم روشی به اتمام برسانند. همین امر باعث شده است تا مطالعات دیگر از همین سنخ، به تبعیت از ماهیت موضوعی و محتوایی دچار این خطای سیستماتیک روشی و آماری شوند و از پرداختن به وضعیت سرقت و متوسط آن در جامعه هدف چشم‌پوشی کنند.

چاپ مقالات متعدد مرتبط با بدنه دانش و پیشینه‌های سرقت در دو دهه اخیر نشان می‌دهد تمایل بدنه علمی و پژوهشی کشور به چاپ و نشر موضوعات حول محور سرقت و در معرض استفاده عمومی قرار گرفتن آن باعث شده است تا انحصار علمی در این زمینه شکل نگیرد، در نتیجه این حیطه از نقاط قوت عملکردی بدنه مطالعه است. نکته قابل تأمل فاصله گرفتن روند اکثر مطالعات از برنامه‌های مداخله‌ای برای مدیریت و کنترل آسیب‌های اجتماعی سرقت است؛ به این مفهوم که بعضی از این مطالعات روند تبیینی و تحلیلی درستی در پیش نگرفته‌اند یا در نحوه ارتباط بین متغیرها نتوانسته‌اند تبیین درستی از خروجی آزمون‌ها ارائه کنند و یا اینکه در همان سطح ارتباط معنا دار بین متغیرها باقی مانده‌اند، بدون اینکه راهکار عملی برای پیشگیری و یا مدیریت آسیب‌های اجتماعی مرتبط با سرقت ارائه کنند.

نتایج اثرگذاری متغیر تعدیل‌کننده رشته و تخصص محقق یا محققان مطالعات وارد شده در فرا تحلیل نشان‌دهنده اهمیت فرهنگ رشته‌ای است که براساس آن، تفاوت معناداری به لحاظ شیوع سرقت قابل مشاهده است و همین امر زمینه‌های ایجاد ناهمگونی را از نظر رشته‌ای پدیدار کرده است. در واقع، زمانی که محقق یا محققانی با تخصص جامعه‌شناسی وارد مطالعه شده‌اند امکانات تحلیلی و پروتکل مطالعه براساس طرح مسئله و روند

پاسخ‌گویی به سؤالات یا فرضیه‌ها به شکل علمی طی شده و امکانات برای تعیین وضعیت سرقت و سنخ مورد مطالعه در آن پژوهش فراهم شده است. در حالی که در رشته‌های دیگر، خلأها و حفره‌های روشی و آماری کاملاً محسوس هستند.

همچنین، رویکردهای پژوهشی عمدتاً روی پارادایم اثبات‌گرایی و کمی‌گرایی صرف متمرکز بوده‌اند و چنین امری باعث شده است تا روند مطالعات با خلأهای تحلیلی و تبیینی همراه شوند. نتایج حاکی از آن است که گزینه‌ها و راهکارهای پیشنهادی در بدنه دانش و پیشینه‌های مطالعات، در قالب راهکارهای غیرمرتبط با نتایج استنباطی طرح شده‌اند و همچنین، از نظر رویکرد نظری، نحوه پرداخت به موضوع با حفره‌هایی همراه بوده است. بنابراین، چنین خلأهایی از منظر روش‌شناختی و تحلیلی، برنامه‌های مداخله‌ای در قالب سیاست‌گذاری‌های منسجم را با مشکلات روبه‌رو می‌سازد.

فرا تحلیل بدنه دانش نشان داد علل وقوع سرقت در ارتباط با اوضاع و شرایط کلان اقتصادی و اجتماعی جامعه قابل پیگیری‌اند. در وضعیت که شرایط زندگی افراد جامعه با مشکلات عدیده اقتصادی و اجتماعی مانند تورم، رکود، بیکاری، اوضاع ناآرامان خانوادگی، شرایط نامساعد محله زندگی و ... توأمان است، اعمال بزهکارانه مجرمان در نسبت با روند کنترلی و مکانیسم‌های پیشگیری از وقوع جرم وارد جریانی متفاوت از برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کشور (بدون ملاحظه شرایط کلان کشور) می‌شوند. سرقت نیز در زمره اعمالی است که افرادی با این ویژگی‌ها یعنی افراد عمدتاً از طبقات پایین و دارای سابقه اعتیاد به مواد مخدر، جرم و زندان، با هم‌نشین با افراد کجرو، دارای سابقه زیست در حاشیه‌های شهر، و مهاجر از جای دیگر مرتکب می‌شوند. همچنین، ضعف در نظارت‌های غیررسمی، شدت احساس نابرابری‌های اجتماعی و احساس محرومیت نسبی، زیست در مراکز جرم‌خیز، گسیختگی خانواده، بیکاری و فقر اقتصادی و فرهنگی، موقعیت زمانی و مکانی وقوع سرقت، اقدامات پیشگیرانه ناکافی و نتایج عملکردی برنامه‌های پیشگیری از سرقت از دیگر عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زمینه‌های ارتکاب به سرقت و گسترش آن هستند. در ترکیب نتایج و یافته‌های مطالعات معلوم می‌شود که باید بین نیروی انتظامی، جامعه، ساختارها و نهادهای حاکمیتی مناسبات راهبردی برقرار گردد که هرگونه اختلال در آن زمینه‌های مساعد برای ارتکاب به اعمال مجرمانه را فراهم می‌کند. با این توضیحات:

- به دست‌اندرکاران حوزه مطالعات و پژوهش مرتبط با سرقت پیشنهاد می‌شود تا پایگاه داده‌ای و اطلاعات مبتنی بر سرقت کشور فراهم شود تا امکان مطالعات طولی و تحلیل ثانویه روی این داده‌ها با هدف تبیین علی و تعیین روابط بین متغیرهای مختلف با این پدیده اجتماعی فراهم شود.

- برنامه‌ریزی در حوزه نظارت انتظامی و پیشگیری از وقوع سرقت منوط به تعیین وضعیت و میزان ارتکاب به سرقت، نوع سرقت، مکان و زمان وقوع سرقت، سنخ‌شناسی سارقان و درنهایت تهیه پایگاه داده در این خصوص مثلاً در قرارگاه مبارزه با سرقت است تا امکان پیش‌بینی وقوع جرم فراهم گردد.

- برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان انتظامی و اجتماعی حوزه سرقت پیشنهاد می‌گردد تا براساس نوع سرقت و وضعیت پیامدی آن در جامعه هدف، اقدامات برنامه‌ریزی خود را طراحی کرده و سپس به اجرا بگذارند. در واقع براساس نتایج مطالعات مختلف در حوزه سرقت، عمده‌ترین دلیل وقوع و شیوع سرقت به دلیل بیکاری یا نبود شغل و در مفهوم کلی ضعف زیرساخت‌های اقتصادی جامعه محقق شده است؛ بنابراین مطالعاتی که در این حیطة انجام می‌گردد تنها به سطح فردی از نوع پرسشنامه‌ای اکتفا نشود بلکه انجام مطالعات کیفی از نوع روایت‌پژوهی و مصاحبه عمیق مردم‌نگارانه می‌تواند عمق قضیه را بشکافد و با رفتن به سراغ ساختارهای کلان جامعه به تحلیل کلان-ساختاری پرداخته و با تحلیل‌های پرسشنامه‌ها زمینه‌های تحلیل چندسطحی فراهم شود. بنابراین انجام مطالعات براساس سطح تحلیل و نوع عمل بزهکارانه نیازمند بازنگری است؛ چراکه سرقت از نوع مسلحانه سیاست‌گذاری متفاوتی با نوع کیف‌قاپی خواهد داشت (در یکی خشونت زیاد و در دیگری خشونت کم و ...).

- مدیریت نظم و انتظام اجتماعی در شرایطی برای جامعه عملیاتی می‌شود که نیروی انتظامی با ایجاد معاونتی مختص سرقت و با بهره‌گیری از کارکنان و پرسنل دارای سوابق تجربی در زمینه پیشگیری از جرم سرقت و با تخصص جامعه‌شناسی، پیشگیری از جرم، جغرافیای جرم، جرم‌شناسی و مددکاری اجتماعی بتواند افراد دارای سوابق زندان و با تجربیات سرقت را مورد بازآفرینی و پیگیری رفتارشناسانه قرار دهد و از تیم‌سازی و ایجاد باند سرقت پیشگیری کند.

- برنامه‌های ناجا در ارتباط با مقوله اطلاع‌رسانی به اندازه‌ای اهمیت دارد که در پیوند با آگاه‌سازی جامعه در خصوص رفتارهای پیشگیرانه می‌تواند درصد موفقیت وقوع سرقت را کاهش دهد. از این‌رو پیشنهاد می‌شود در فضای واقعی و مجازی اقدامات آگاه‌سازی از طریق راه‌اندازی کانالی در شبکه‌های اجتماعی و ارائه واقعیت‌های مبتنی بر سرقت و پیامدهای ارتکاب سرقت برای خانواده‌ها و دیگر نهادهای جامعه انجام گیرد تا بدین‌وسیله در اتصال با ساختارهای حاکم و خود جامعه، اقدامات هوشمندانه نیروی انتظامی درباره مقوله سرقت به شکلی قاعده‌مند پیش برود.

قدردانی

بدین‌وسیله مراتب سپاس و امتنان خویش را از پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا و همکاری معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به‌ویژه خانم دکتر اعظم راودراد و زینب پلاسی اعلام می‌داریم. همچنین بر خود لازم می‌دانیم از همکار محترم

جناب آقای دکتر بهرام بیات، به خاطر نظارت بسیار حرفه‌ای و راهنمایی‌ها و پیشنهادات ارزنده و مؤثرشان، و همچنین از زحمات جناب آقای دکتر رحیم موسوی در پژوهشگاه ناجا تشکر کنیم.

منابع

ادهمی، عبدالرضا و زینب تجری (۱۳۹۵) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر سرقت در شهر گرگان»، *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، سال دهم، شماره ۲: ۴۳-۶۶.

بیات، بهرام (۱۳۸۸) «فرا تحلیل سرقت»، *مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۱۹: ۱۱۳-۱۳۴.
بیانلو، یوسف (۱۳۸۸) بررسی تطبیقی سرقت‌های ایستگاهی و غیرایستگاهی شهرهای استان زنجان در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷، دفتر تحقیقات کاربردی، فرماندهی انتظامی استان زنجان (طرح پژوهشی منتشر نشده).

پارسازاده، نصراله (۱۳۹۳) بررسی رابطه بین عوامل اجتماعی با میزان سرقت داخل خودرو در شهر همدان، دفتر تحقیقات کاربردی، فرماندهی انتظامی استان همدان (طرح پژوهشی منتشر نشده).

تمنا، سعید و داود دعاگویان (۱۳۹۳) «موانع مشارکت مردمی در راستای مأموریت نیروی انتظامی در پیشگیری سرقت از منازل»، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۳: ۶۱-۸۸.

حامد، بی‌تا و سپیده پشنگ (۱۳۸۹) «بررسی دلایل اقتصادی، اجتماعی و اقتصادی سرقت در شهر کرمانشاه»، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، سال پنجم، شماره ۱۶: ۷۷-۹۱.
حیدری، حمید؛ سید اسلام حسینی مطلق و زینب افشار (۱۳۹۲) «تبیین جامعه‌شناختی سرقت»، *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، سال هشتم، شماره ۲: ۹-۳۸.
خلعتبری، عبدالحسین (۱۳۸۶) «مهاجرین و سرقت‌های مسلحانه»، *فصلنامه دانش انتظامی*، دوره نهم، شماره ۱: ۹-۲۸.

رحیمی، مهدی و افسانه ادریسی (۱۳۸۹) «بررسی عوامل مؤثر بر سرقت»، *فصلنامه مطالعات اجتماعی*، دوره جدید، شماره ۲۳: ۸۹-۱۱۷.

رضایی، علی محمد (۱۳۹۵) پیمایش ملی جرم سرقت، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، تهران (طرح پژوهشی منتشر نشده).

رضوانی، محمدرضا، زهره زارع، صامت فرهادی و مسعود نیک‌سیرت (۱۳۹۰) «جغرافیای جرم در نواحی روستایی با تأکید بر سرقت دام در بخش چهاردولی شهرستان قروه»، *مطالعات مدیریت انتظامی*، سال ششم، شماره ۱: ۸۹-۱۱۷.

سوری، احمد (۱۳۹۳) *آسیب‌شناسی و راه‌های پیشگیری از وقوع سرقت منزل در استان بوشهر با تأکید بر سرقت طلا و جواهرات*، دفتر تحقیقات کاربردی، فرماندهی انتظامی استان بوشهر (طرح پژوهشی منتشر نشده).

شیرزاد، جلال، پیمان فقیه‌فرد، محمد سلاجقه و جمشید بابایی (۱۳۹۰) «عوامل مؤثر بر سرقت‌های مسلحانه کشف‌نشده در استان کرمان (۱۳۸۹-۱۳۸۸)»، *فصلنامه دانش‌انتظامی*، دوره سیزدهم، شماره ۳ (پیاپی ۵۲): ۶۵-۱۰۰.

علی‌وردی‌نیا، اکبر (۱۳۷۸) *مطالعه جامعه‌شناختی میزان سرقت در استان‌های ایران*، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معاونت پژوهشی، تهران (طرح پژوهشی منتشر نشده).
_____ (۱۳۸۳) «تحلیل اجتماعی سرقت در ایران»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال اول، شماره ۲: ۱۶۵-۱۹۶.

_____ (۱۳۹۳) «بررسی رابطه اعتیاد به مواد مخدر و سرقت داخل خودرو (مطالعه موردی شهر تهران)»، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، سال ششم، شماره ۱: ۲۷-۵۶.

قاسمی، مسعود و حمیدرضا علی‌پور (۱۳۹۳) «تأثیر اتخاذ تدابیر پیشگیرانه وضعی بر وقوع سرقت از اماکن»، *پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، دوره نهم، شماره ۴: ۵۱-۷۱.
قبادی، عباس (۱۳۹۳) *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش ساکنین مناطق حاشیه‌نشین به سرقت از منزل در سال ۱۳۹۳ در منطقه حصارک کرج*. دفتر تحقیقات کاربردی، فرماندهی انتظامی البرز (طرح پژوهشی منتشر نشده).

محسنی‌تیریزی، علیرضا و ستار پروین (۱۳۸۸) «بررسی عوامل مؤثر بر سرقت نوجوانان (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، شماره ۳ (پیاپی ۳۵): ۳۷-۵۰.

محمدی، اصغر (۱۳۹۲) *عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش به سرقت (مطالعه موردی زندان مرکزی اصفهان)*. پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی-مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران.

میرزایی، یوسف (۱۳۷۷) *بررسی تطبیقی سرقت در ایران در بین سال‌های ۷۱-۱۳۷۴*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

نوغانی دخت‌بهمنی، محسن و سید احمد میرمحمدتبار (۱۳۹۴) «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم (فرا تحلیلی از تحقیقات انجام شده در ایران)»، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۳، (پیاپی ۱۱): ۸۵-۱۰۲.

وروایی، اکبر، مهدی مقیمی، محمد عبادی‌نژاد و غلامرضا مرادی (۱۳۹۰) «بررسی عوامل مؤثر بر وقوع سرقت‌های مقرون به آزار در شهر بندرعباس سال ۱۳۸۹ (با رویکرد

پیشگیری وضعی از جرم»، فصلنامه دانش انتظامی، دوره سیزدهم، شماره ۳ (مسلسل ۵۲): ۱۳۵-۱۶۸.

یحیی‌زاده، حسین و مهدی رحیمی (۱۳۸۸) «بررسی عوامل مؤثر بر سرقت نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت شهر سنندج»، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، دوره دوم، شماره ۴: ۹۹-۱۱۸.

Bennett, T., Holloway, K., & Farrington, D. (2008) "The Statistical Association between Drug Misuse and Crime: A Meta-Analysis", *Aggression and Violent Behavior*, 13, 107-118.

Bottoms, A.E. & Wiles, P. (1992) *Explanations of Crime and Place*. In: D.J. Evans, N.R. Fyfe and D.T. Herbert (Eds), *Crime, Policing and Place Essays in Environmental Criminology*, pp. 11-35. London: Routledge.

Carriaga, L.M., & Worrall, L.J. (2015) "Police Levels and Crime: A Systematic Review and Meta-Analysis", *The Police Journal: Theory, Practice and Principles*, 88(4), 315-333.

Clarke, R. V., & Cornish, D. B. (1985) Modeling offenders' decisions: A framework for research and policy. *Crime and justice*, 6, 147-185.

Haddaway, R.N., & Rytwinski, T. (2018) "Meta-Analysis in not an Exact Science: Call for Guidance on Quantitative Synthesis Decisions", *Environment International*, 114, 357-359.

Hayhurst, P.K., Pierce, m., Hickman, M., Seddon, T., Dunn, G., Keane, J., & Millar, T. (2017) "Pathways through Opiate Use and Offending: A Systematic Review", *International Journal of Drug Policy*, 039, 1-13.

Littell, G.H., Corcoran, J., & Pillai, V. (2008) *Systematic Reviews & Meta-Analysis*. Oxford: Oxford University Press.

McClintock, F. H., & Gibson, E. (1961) *Robbery in London: an enquiry by the Cambridge Institute of Criminology* (Vol. 14). Macmillan.

Maguire, M., Morgan, R., & Reiner, R., (2012) *The Oxford Handbook of Criminology*, Oxford University Press.

Maume, M.O., & Lee, M.R. (2003) "Social Institutionals and Violence: A Sub- National Test of Institutional Anomie Theory", *Criminology*, 41(4), 1137-1172.

Mire, S., & Roberson, C., (2016) *The Study of Violent Crime: Its Correlates and Concerns*, CRC Press: Taylor & Francis Group.

Mooney, A.L., Knox, D. & Schacht, C. (2011) *Understanding Social Problems*, Seven Edition, Wadsworth Publishing.

Petticrew, M., & Roberts, H. (2006) *Systematic Reviews in the Social Sciences: A Practical Guide*, Oxford: Blackwell Publishing.

Posick, Ch., Rocque, M., & Whiteacre, K. (2012) "Examining Metal Theft in Context: An Opportunity Theory Approach", *Justice Research and Policy*, 14(2), 79-102.

- Rupp, Th. (2008) *Meta Analysis of Crime and Deterrence: A Comprehensive Review of the Literature*, Amsterdam: DNB.
- Siegel, J.L. (2016) *Criminology: Theories, Patterns and Typologies*, Ninth Edition, Thomson/Wadsworth, Belmont, CA.
- Wang, Z.J. (2002) "Bank Robberies by an Asian Gang: An Assessment of the Routine Activities Theory", *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 46(5), 555-568.
- Wickes, R., Zahnw, R., Shaefer, L., & Sparkes-Carroll, M. (2016) "Neighborhood Guardianship and Property Crime Victimization", *Crime & Delinquency*, 1-16.
- Wickramasekera, N., Wright, J., Elsey, H., Murray, J., Tubeuf, S. (2015) "Cost of Crime: A Systematic Review", *Journal of Criminal Justice*, 43, 218-228.